

# پرسش‌های بزرگ در زیبایی‌شناسی

کنت پگلر

ترجمه محسن کرمی



نشر کرگدن

# پرسش‌های بزرگ در زیبایی‌شناسی

کِنْتِ پِگِلِر

ترجمه

محسن کرمی



نشر کرگدن

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشر کرگدن: تهران، صندوق پستی ۱۷۱۶ - ۱۳۱۴۵

[www.kargadanpub.com](http://www.kargadanpub.com)

[telegram.me/kargadanpub](https://telegram.me/kargadanpub)



نشر کرگدن

مجموعه هنرشناسی - ۱

دبير مجموعه: محسن کرمي

پرسش‌های بزرگ در زیبایی‌شناسی

نویسنده: کِنْت پِگلِر

مترجم: محسن کرمي

نسخه‌پرداز: شادی جا جرمی‌زاده

مدیر هنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: نقش جوهر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۹۶۱-۰۰۰

چاپ اول: ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

## یادداشت دبیر مجموعه

هنر چیست؟ چه نسبتی با زیبایی، به فراخ دامنه ترین معنای آن، دارد؟ آیا اصلاً می شود تعریفش کرد؟ خود این زیبایی چیست؟ کیفیت شيء است یا کیفیت نگرنده‌ی در شيء؟ کیفیتی افسون‌کننده و فربایا است یا کیفیتی پیوسته با راستی و نیکی؟ آیا راز هنر در همین زیبایی است، یا، چنان که برخی مدعی شده‌اند، پای چیز دیگری در میان است؟ چه چیزی در هنر هست که پاره‌ای از ما را چنین شیفته و مسحور خود می‌سازد؟ چیست آن آن بیان‌ناشدنی که شوریدگان هنر در طلبش می‌سوزند و می‌گدازند؟ و چگونه است که همین هنر بر پاره‌ای دیگر از ما آدمیان کار نمی‌کند و اثر نمی‌نهد؟

آیا، به همان اندازه که سودائیان عالمش می‌گویند، هنر از ضروریات حیات انسانی است؟ یا، چنان که دیگرانی متعارض شده‌اند، از امور غیرضرور و تجملی زندگی است؟ ارزش هنر تا چه اندازه است و از کجا است؟ آیا ارزش هنر منحصر در وجه زیبایی‌شناختی آن است، یا این که می‌توان ارزش‌های دیگری - از جمله ارزش‌های اخلاقی، حقوقی، شعائری و مناسکی، مصلحت‌اندیشانه، و ناظر به عرف و عادات اجتماعی - را نیز به آن نسبت داد و، بر طبق این ارزش‌های دیگر، به نقد و ارزیابی‌اش نشست؟ پرسش دشوارتر این که: کدام قسم از این ارزش‌ها باصطلاح ذاتی هنر اند و کدام عرضی آن؟ به بیان دیگر، هنربودن هر اثر هنری به داشتن کدام قسم از این ارزش‌ها است؟ و پرسش ذهن‌سوزتر آن که: به وقت تعارض میان این ارزش‌ها در عالم هنر چه باید کرد؟

قدرت هنر - اگر قدرتی دارد - ناشی از چیست؟ برخی معتقد اند که در قدرت اثربخشی هنر بر حیات آدمی مبالغه شده است و برخی، به عکس، برآن اند که این قدرت چنان که باید به جدّ گرفته نشده. کدام سوی این نزاع بحق است؟ آیا هنر قدرت شناخت‌بخشی دارد؟ بالاتر از آن، آیا هنر می‌تواند شناخت‌هایی به ما ببخشد که از هیچ راه دیگری نمی‌توانیم کسب‌شان کرد؟ درباره استعداد و قدرت هنر در فریقت مخاطبان و ایجاد جهل مرکب چه باید گفت؟ آیا، در کمال شگفتی، باید تصدیق کنیم که هنر هر دو قدرت را دارد؟

معرفت‌بخشی و/یا جهل‌افزایی تنها دعاوی معطوف به قدرت هنر نیستند؛ دعاوی اثربخشی دیگری نیز طرح شده است، از جمله پرورش برخی مهارت‌های ذهنی و روانی. مسئله این است که آیا هنر واقعاً می‌تواند مهارت‌هایی را در آدمیان بپرورد یا نه.

دعوی دیگر در باب قدرت تأثیر هنر بر عواطف آدمی است. در توان هنر در این خصوص تقریباً تا امروز کسی تردید جدی نکرده است؛ آن چه محل مناقشه بوده است میزان و نحوه این اثربخشی است. هنر تا چه پایه و مایه می‌تواند در عواطف ما اثر کند و چه عواطفی را در ما بیدار می‌تواند کرد؟

واز همین جا باید پرسید: آیا هنر اولاً و بالذات با وجه احساسی و عاطفی وجود ما سروکار دارد، یا با وجه معرفتی و شناختی وجود ما؟ آیا غرض از هنرآفرینی بالمال تأثیرگذاری بر ساحت احساسی ما است، یا ساحت معرفتی ما، یا ساحت ارادی ما، و یا ترکیبی از آن‌ها؟

باری، در مجموعه‌ی «هنرشناسی» بنا داریم به مسائل مهمی از این دست بپردازیم و نرم نرمک هم از سویی ادبیات بحث را طرح کنیم و هم از دیگر سو به بررسی مسائل مورد مناقشه دست بجنایم. به عبارت دیگر، در این مجموعه آثاری گرد خواهیم آورد که، در وهله نخست، چهارچوب‌های اصلی حوزه‌های هنرشناسی - و در رأس همه‌ی آن‌ها فلسفه‌ی هنر و یا زیبایی‌شناسی - را می‌کاوند و، در وهله بعد، به بازپرسی پاسخ‌های تازه به پرسش‌های همچنان‌گشوده می‌پردازنند. بادا که چنین باشد.

## فهرست

۱	یادداشت مترجم
۲	درآمد
۵	فصل ۱: زیبایی و هنر چیستند؟
۷	زیبایی چیست؟ هنر چیست؟
۷	آیا زیبایی و هنر یک چیز اند؟
۸	چه چیزی زیبا است؟
۱۳	چگونه زیبایی را تجربه می‌کنید؟
۱۵	از کجا می‌دانید که در حال تجربه‌ی زیبایی اید؟
۱۶	بی‌غرضی چیست؟
۱۷	نظریه‌های هنر از چه قرار اند؟
۱۸	تقلیدگرایی چیست؟
۱۹	عاطفه‌گرایی چیست؟
۱۹	صورت‌گرایی چیست؟
۲۰	ابزارانگاری چیست؟
۲۰	نهادگرایی چیست؟
۲۰	چه چیزی اثر هنری است؟
۲۲	محتوا چیست؟

- ۲۳ ----- زمینه چیست؟  
 ۲۴ ----- سبک چیست؟  
 ۲۴ ----- ملاک‌های اثر هنری از چه قرار اند؟  
 ۲۶ ----- شما چه فکر می‌کنید؟
- ۲۹ ----- فصل ۲: ارزش، غایت، معنا، و حقیقت در هنرها از چه قرار اند؟  
 ۳۱ ----- آیا می‌توان ارزش، غایت، معنا، و حقیقت را در هنر تعریف کرد؟  
 ۳۱ ----- ارزش چیست؟  
 ۳۲ ----- ارزش زیبایی‌شناختی چیست؟  
 ۳۴ ----- آیا ارزش زیبایی‌شناختی آفاقی است؟  
 ۳۶ ----- آیا ارزش زیبایی‌شناختی انفسی است؟  
 ۳۶ ----- آیا هنر غایتی دارد؟  
 ۳۹ ----- آیا غایت هنر خود هنر است؟  
 ۳۹ ----- ارزش ابزاری چیست؟  
 ۴۰ ----- ارزش ذاتی چیست؟  
 ۴۲ ----- خودآیینی اثر هنری چیست؟  
 ۴۴ ----- معنا در هنر از چه قرار است؟  
 ۴۵ ----- معنای اثر هنری در کجا است؟  
 ۴۹ ----- موسیقی چه معنایی دارد؟  
 ۵۰ ----- آیا هنر و زیبایی ربطی به حقیقت دارند؟  
 ۵۱ ----- آیا حقیقت شما یگانه حقیقت است؟  
 ۵۲ ----- شما چه فکر می‌کنید؟
- ۵۳ ----- فصل ۳: آیا هنر خوب و بد دارد؟  
 ۵۵ ----- چه کسی داوری می‌کند که کدام هنر خوب است و کدام بد؟  
 ۵۵ ----- ذوق چیست؟  
 ۵۶ ----- آیا ذوق انفسی است؟

۵۹	-----	چه نیازی به منتقدان هست؟
۶۰	-----	ذوق و حس زیبایی شما فطری است یا اکتسابی؟
۶۱	-----	نسبی انگاری فرهنگی چیست؟
۶۲	-----	خوب و بد در هنرها به چه معنا است؟
۶۴	-----	هنر دشوار چیست؟
۶۸	-----	آیا فرایند هنرآفرینی به خودی خود خوب است؟
۶۹	-----	آیا اثر هنری می‌تواند خطرناک باشد؟
۷۰	-----	چه کسی تعیین می‌کند که چه چیزی مضر است؟
۷۳	-----	آیا ممیزی راه حل است؟
۷۴	-----	پروپاگاندا چیست؟
۷۵	-----	پروپاگاندا را چگونه به کار می‌برند؟
۷۷	-----	شما چه فکر می‌کنید؟

## یادداشت مترجم\*

پرسش‌های بزرگ در زیبایی‌شناسی برگ‌دان درس سوم از کتاب پرسش‌های بزرگ در فلسفه است که قریب به ده سالی از نخستین آشنایی من با آن می‌گذرد، و هنوز که هنوز است در حیرت ام از این که چطور می‌شود بزرگ‌ترین مسائل مطرح در زیبایی‌شناسی را چنین واضح و عمیق طرح کرد و بازکاروید و، در عین حال، به درازگویی هم نیفتاد. باری، کمینه امیدی که مترجم از ترجمه‌ی کتاب حاضر در سر پخته یکی آشناکردن اهل فلسفه‌ی هنر در زبان فارسی با این درآمد ساده و روشن به این حوزه از فلسفه است و دو دیگر آوردن گواهی است بر این که ژرفای فکر و بلندای اندیشه را تلازمی با اطناب و پیچیدگی نیست.

---

\*. در این کتاب شیوه مقبول مترجم در نگارش رعایت شده است. ناشر

## درآمد

دور و بر تان پر است از چیزهایی که به شما گفته می‌شود زیبا نند. بسیاری از این‌ها را اثر هنری می‌نامند. ولی، تقریباً هر چیزی را می‌توان اثر هنری نامید. اما چه چیزی سبب می‌شود که این‌ها زیبا یا اثر هنری باشند، و چه کسی این را تعیین می‌کند؟ آیا زیبایی تنها در چشم ناظر است، یا این که چیزی از قبیل زیبایی آفاقی<sup>1</sup> در میان هست؟

ما غالباً در ذوق و سلیقه مردم نسبت به هنرها شک و شباهه می‌کنیم. درست به همان نحو، غالباً مردم از ذوق شخصی‌شان در باب این که چه چیزی خوب است با این سخن دفاع می‌کنند که: «خودم می‌دانم که از چه چیزی خوشنم می‌آید!» ذوق چیست و شما از کجا می‌دانید که خوش‌ذوق اید یا نه؟ زیبایی و هنر، یعنی سرشت و غایتشان، از دوران باستان و شاید هم پیش از تاریخ، کنگاکاوی فیلسوفان را برانگیخته. چرا زیبایی و هنر این قدر ویژه و مسئله‌انگیز اند؟ این [کتاب] روش‌هایی برای پاسخ‌گفتن به این پرسش‌ها پیش می‌نهد و کمکتان می‌کند تا نظریه‌های معنادار خودتان را در باب زیبایی و هنر بسازید.

---

1. objective beauty

# فصل ۱

## زیبایی و هنر چیستند؟

واژگان کلیدی:

- زیبایی‌شناختی (aesthetic)
- زیبایی (beauty)
- داوری/حکم زیبایی‌شناختی (aesthetic judgement)
- بی‌غرضی (disinterest)
- تجربه‌ی زیبایی‌شناختی (aesthetic experience)
- تقلیدگرایی (imitationalism)
- صورت‌گرایی (formalism)
- ابزارانگاری (instrumentalism)
- نهادگرایی (institutionalism)
- محظوظ (content)
- زمینه/ سیاق (context)
- سبک (style)

اشخاص کلیدی:

- کلایو بل (Clive Bell)
- افلاطون (Plato)

## زیبایی چیست؟ هنر چیست؟

یکی از کارهای اصلی فلسفه وضوح بخشیدن به معانی واژه‌ها و نحوه‌ی کاربرد آن‌ها است. این فصل در دسته‌بندی معانی و کاربردهای برخی از الفاظ و مفاهیم مرتبط با زیبایی و هنر یاریتان خواهد کرد. مثلاً، از جمله، واژه‌های «لذت»، «کیفیت»، و «محتوا» در چارچوب زیبایی و هنر کاربردهایی ویژه دارند. زیبایی چیست، چگونه تجربه‌اش می‌کنید، و اثر هنری چیست؟ این‌ها پرسش‌هایی اند که این فصل، چنان که در طرح افکنند نظریه‌ای شخصی در باب زیبایی و فلسفه‌ای در باب هنر راهنمایی‌تان می‌کند، به آن‌ها خواهد پرداخت.

### آیا زیبایی و هنر یک چیز اند؟

آیا اگر چیزی اثر هنری خوانده شود لزوماً زیبا است؟ تعیین مراد از زیبایی‌شناسی و فلسفه‌ی هنر، برای فهم شباهت‌ها و تفاوت‌های میان زیبایی و هنر، مفید خواهد بود. زیبایی‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که به سرشتِ زیبایی و ادراک<sup>۱</sup> آن می‌پردازد. aesthetic

---

1. appreciation

برگرفته از واژه‌ای یونانی معادل دریافت<sup>۱</sup>، به معنای چیزی است که، در قیاس با تجربه‌های متعارف، در سطح بالاتر و عمیق‌تری از آگاهی دریافت و ادراک می‌شود. تجربه‌ی زیبایی‌شناختی تجربه‌ای است که توسط چیزی زیبا، از قبیل یک نقاشی، یک حرکت رقص، یک قطعه موسیقی، یا رویدادی طبیعی نظیر غروب خورشید، به وجود می‌آید. فلسفه‌ی هنر به پژوهش در مسائلی می‌پردازد که به هنگام تلاش برای تعریف اثر هنری پیش می‌آیند. بدین سان، تمایز میان زیبایی‌شناسی و فلسفه‌ی هنر از این قرار است: وقتی به چیستی زیبایی می‌پردازید، در حیطه‌ی زیبایی‌شناسی اید؛ و هنگامی که به این مسئله می‌پردازید که چه اموری زیبا، و چرا زیبا، یند، در قلمرو فلسفه‌ی هنر اید.

زیبایی‌شناسی و فلسفه‌ی هنر به انحصار چندی با یکدیگر تداخل دارند، چون بسیاری از چیزهایی که هنر نام می‌گیرند زیبا یند و بسیاری از چیزهایی که زیبا دانسته می‌شوند هنر اند. اشیاء طبیعی، نظیر گل و غروب خورشید، و اشیاء ساخته‌ی دست بشر، مثل قوری و ماشین مسابقه، نمونه‌هایی از این تداخل و همپوشانی اند.

در فرهنگ غرب، تا اوآخر سده‌ی نوزدهم، مخاطبان هنر عموماً انتظار داشتند که همه‌ی آثار هنری زیبا باشند. تصوّرات از هنر و زیبایی به نحو وثیقی با یکدیگر مرتبط بودند. ولی، این امر دیری نپایید و، در روزگار ما، تعریف‌ها و توصیف‌های هنر و زیبایی محل مناقشه‌ی بسیار اند.

## چه چیزی زیبا است؟

هر چیزی، از میهمانی‌ها گرفته تا ترانه‌های پاپ، از نقاشی‌ها تا شیوه‌های آراستن مو، و از چیزی‌گرها تا ماشین‌های فراری، «زیبا»

1. perceive

زیبایی و هنر چیستند؟

دانسته می‌شود. چه کیفیت‌هایی سبب زیبایی هر یک از این موارد می‌شوند؟ آیا همچو کدام از کیفیت‌هایی که تشخیص داده‌اید در همه‌ی آن موارد مشترک هستند؟

بیش‌تر مردم هم عقیده اند که مفهوم زیبایی وجود دارد، اما ایشان در این که چه شیء یا کیفیتی درخور آن است که «زیبا» یعنی بخوانند همواره یکدل نیستند. ظاهراً معنا نمی‌دهد که بگوییم یک ترانه، یک عاشق، یا یک غروب همگی زیبا یند. این‌ها از سخن‌هایی پاک متفاوت اند و، با این‌همه، غالباً زیبایشان می‌خوانند. در مورد اول، ترانه اثری هنری است که کسی آن را می‌افربیند، در حالی که عاشق کسی است که منش یا ظاهرش مورد داوری قرار می‌گیرد، و غروب خورشید رویدادی طبیعی است که همچ وجه اشتراکی با دو مورد قبلی ندارد.

بیش‌تر فیلسوفان هم عقیده اند که انسان‌ها با عقل و عواطفشان، هر دو، به زیبایی واکنش نشان می‌دهند. سرشت این واکنش‌ها است که در این جا محل بحث و بررسی است.

### زیبایی چگونه تعریف می‌شود؟

پیش‌تر خواندید که مفهوم زیبایی به چیزهای مختلف بسیاری، از قبیل ترانه و غروب خورشید، اطلاق می‌شود. نخستین کار در زیبایی‌شناسی تعیین چیستی زیبایی است. اینک به دو تعریف فرهنگنامه‌ای متفاوت اما مرتبط از زیبایی توجه کنید:

۱. زیبایی آن کیفیت یا ترکیبی از کیفیت‌ها است که سبب می‌شود شخص، از طریق حواس، عقل، یا تصور اخلاقی<sup>۱</sup> لذتی عمیق را تجربه کند.

1. notion of morality

## ۲. زیبایی در اموری یافت می شود که لذت زیبایی شناختی به بار می آورند.

### کیفیت چیست؟

گمان می کنید چه کیفیت هایی لازم اند تا شیئی اثر هنری خوانده شود؟ مثلاً، هنگامی که می کوشید تعیین کنید که یک ترانه، یک فیلم، یا یک شعر واقعاً اثر هنری هست یا نه، کدام کیفیت ها را در این آثار می جویید؟

به کلیدوازه های نخستین تعریف زیبایی توجه کنید. کیفیت معیاری است که به وقت مقایسه‌ی یک چیز با چیزهای مشابه دیگر بدان متoscّل می شوید. چون هر روز دست به داوری ها و مقایسه هایی می زنید، کیفیت می تواند شامل هر چیزی که تجربه می کنید بشود. رنگ، شکل، بو، بافت، و صدا پاره‌ای از کیفیت های مشترک اشیائی اند که تجربه می کنید. اندیشه ها<sup>1</sup> و فکرت ها<sup>2</sup> کیفیت های دیگری اند که به تجربه تان درمی آیند. معنای کیفیت اندیشه ها و فکرت ها را نیز به هنگام مقایسه‌ی آن ها با فکرت های دیگران درمی یابید. انسان ها معمولاً زیبایی این کیفیت ها را با میزان موافقت شان با آن ها، یا این که ترجیح شان می دهند یا نه، می سنجند. به عبارت دیگر، این امر که از کیفیت های شیء یا فکرتی خاص خوشتان بیاید یا بدتان بیاید ممکن است در تصمیم گیری برای این که آن شیء یا فکرت را زیبا بدانید یا نه کمکتان کند. بعيد است بر زیبایی چیزی صحّه بگذارد اگر از آن بدتان بیاید. در عین حال که او لا و بالذات عواطفتان اند که به شما می گویند از چه چیزی خوشتان می آید و از چه چیزی خوشتان نمی آید، عقل، توانایی استدلال ورزی، و تجربه هایتان نیز در ترجیح های شما اثرگذار اند. عقایدتان داوری های ارزشی خوانده می شوند. هنگامی که درباره زیبایی چیزی عقیده های پیدا می کنید، حکمی زیبایی شناختی صادر می کنید.

1. thoughts  
2. ideas

**Ars longa, vita brevis.**

عرضه‌ی هنر فراخ است و زندگی کوتاه.

ناشناس

## لذت چیست؟

کلیدواژه‌ی بعدی در نخستین تعریف زیبایی لذت است. لذت، در چارچوب رشته‌ی زیبایی‌شناسی، نیاز به تبیین دارد. در کاربرد روزمره، لذت به معنای کیف<sup>۱</sup> و رضایت<sup>۲</sup> و شادی<sup>۳</sup> است. شما می‌توانید از خوردن یک بستنی قیفی در روزی داغ یا تماشای یک فیلم لذت ببرید، اما آیا، در هر دو مورد، زیبایی را تجربه می‌کنید؟ آن چه در پی می‌آید یکی از شیوه‌هایی است که ممکن‌تران خواهد کرد تا به وقت آن که چیزی به شما لذت می‌بخشد ارزیابی کنید که در حال تجربه‌ی زیبایی هستید یا نه.

مردم عموماً هم عقیده اند در این که لذت خاصی که از زیبایی حاصل می‌شود متفاوت است با لذت‌های روزمره‌ای مانند لذتی که از تعطیلی مدرسه می‌بریم. لذت حاصل از زیبایی را آگاهی عمیق<sup>۴</sup> از چیزی که تجربه‌اش می‌کنید سبب می‌شود. بودائیان می‌گویند: هنگامی که در این وضع وحال آگاهی عمیق قرار دارید، با امری که در حال تأمل در آن اید یگانه می‌شوید. معنای این سخن آن نیست که در روؤایایی مبهم غرق شده‌اید، بل این است که تمام توجه‌تان بر امری متمرکز شده که تجربه‌اش می‌کنید. این نوع واکنش عاطفی یا لذت خاص نادر و بسیار گرانبها است. دفعه‌ی بعد که بستنی می‌خورید یا فیلم تماشا می‌کنید، از خودتان بپرسید که آیا تجربه‌ی این لذت به آن مرتبی آگاهی عمیق می‌رسد یا نه. آن‌گاه، این تجربه‌های روزمره را با واکنش‌تان نسبت به چیزی که به نحو متداول‌تری زیبا خوانده می‌شود، مثل چشم‌اندازی تماشایی یا یک قطعه موسیقی بی‌کلام، مقایسه کنید.

1. enjoyment

2. satisfaction

3. gratification

4. heightened awareness

## لذت زیبایی شناختی چیست؟

اینجا همان جایی است که دومین تعریف زیبایی به کار می‌آید: زیبایی در آن اموری یافت می‌شود که لذت زیبایی شناختی به بار می‌آورند. واژه‌ی aesthetic [زیبایی شناختی] تجربه‌ی لذت یا آگاهی عمیق را وصف می‌کند. پاره‌ای از نویسندهان واژگانی مانند sublime [والا] و transendent [متعالی] را برای توصیف این نوع لذت شدید و عمیق به کار می‌برند. این واژه‌ها را در فرهنگ لغت بجویید و ببینید که آیا وصف کافی و واقعی از آن احساساتی هستند که زیبایی در شما برمی‌انگیزد یا نه.

هنر ما را از دنیای فعالیت‌ها [ی روزمره] به دنیای وجود و شعف زیبایی شناختی می‌برد. برای لحظه‌ای از علاقه انسانی جدا می‌شویم. ... به ورای جریان زندگی اوج می‌گیریم ... [و به] دنیایی با معنای عمیق و خاص خودش [وارد می‌شویم]. ... عواطف زندگی، در آن عالم، جایی ندارند. دنیایی است با عواطف خاص خودش.

کلایو بِل

منتقد انگلیسی، کلایو بِل (۱۸۸۱-۱۹۶۴)، می‌گفت که مردم با «عاطفه‌ی زیبایی شناختی» به زیبایی هنر و اکنش نشان می‌دهند. نقل قول بالا را بخوانید تا دریابید که او عاطفه‌ی زیبایی شناختی را چطور توصیف می‌کند. وقتی که بِل واژه‌ی peculiar [خاص] را به کار می‌برد، مرادش special [ویژه] است، نه strange [عجب و غریب]. واکنش مذکور واکنش عاطفی‌ای نادر و نظرگیر و خارق‌العاده است.